

بررسی تأثیر ساختار سیاستگذاری صنعتی بر کیفیت و کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران

ابوالقاسم مهدوی

دانشیار اقتصاد، دانشگاه تهران

حمید عزیزمحمدلو^۱

استادیار اقتصاد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

(تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۵ - تاریخ تصویب: ۹۵/۹/۱۵)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیری است که ساختار سیاستگذاری صنعتی بر کیفیت و کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط دارد. داده‌های موردنیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه و با نظرسنجی از خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه صنایع کوچک و متوسط به دست آمده و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن و همچنین روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که سیاست‌های طراحی شده برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشور، از منظر ویژگی‌ها و معیارهایی چون پایداری و انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، واقع‌بینی، هدف‌دار بودن، عمومیت داشتن و گستردگی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. این امر باعث شده است کارکردها و نقش‌های اصلی مورد انتظار از این سیاست‌ها (راه‌نمای عمل بودن، هماهنگ‌کنندگی، تأمین منافع عمومی و ارزیابی و کنترل برنامه‌ها) به نحو مناسبی محقق نگردد. در این تحقیق نشان داده شده است که نامناسب بودن بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاستگذاری به‌طور معنی‌داری در نامناسب بودن کیفیت و کارآمدی سیاست‌های مرتبط با صنایع کوچک و متوسط نقش داشته است.

واژگان کلیدی: صنایع کوچک و متوسط، ساختار سیاستگذاری، کیفیت سیاست‌ها، کارکرد

سیاست‌ها

^۱ azizmohammadlou@soc.ikiu.ac.ir (نویسنده مسئول) -

۱- مقدمه

"کوچک زیباست" عبارتی است که مایکل شوماخر در بیان اهمیت و جایگاه صنایع کوچک مطرح نموده و در زمان خود از یک تحول بنیادی در عرصه کسب و کارهای صنعتی و ایجاد تغییرات اساسی در ساختار توسعه صنعتی خبر داده است. تغییر و تحولاتی که در حوزه‌های فناوری و تقاضای محصولات صنعتی رخ داده و در اثر آن جایگاه صنایع کوچک و متوسط از مقام صنایع محکوم به شکست و ناتوان در رسیدن به رقابت‌پذیری ناشی از صرفه‌های اقتصادی به مقام صنایع چابک و فعال و قادر به استفاده و بهره‌برداری از فرصت‌های در حال تحول بازار کسب و کار تغییر یافته است.

امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط نقش و جایگاه قابل توجهی در رشد صنعتی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی، توزیع عادلانه‌تر درآمد و پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر بازارها داشته و این نقش روزبه‌روز در حال فزونی است. با وجود این، در کشور ما به گواه آمار و اطلاعات منتشرشده توسط مرکز آمار ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت، علیرغم اینکه صنایع کوچک و متوسط از نظر تعداد بالغ بر ۹۵ درصد از صنایع را تشکیل می‌دهند، سهم ناچیزی در ایجاد ارزش افزوده بخش صنعت داشته و توان رقابت‌پذیری آنها روزبه‌روز در حال کاهش است. این امر به نوعی حاکی از خلاف روندی است که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته در ارتباط با روند رو به رشد صنایع کوچک و متوسط محقق شده است. به‌طور بدیهی عوامل متعددی در تشدید چنین امری دخیل است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، سیاست‌ها و ساختارهای حمایتی و سیاستگذاری مرتبط با صنایع کوچک و متوسط است که از سازگاری، تناسب و پویایی لازم جهت پاسخگویی به نیازهای این دسته از صنایع برخوردار نیست.

صنایع کوچک و متوسط در قیاس با صنایع بزرگ، در عین انعطاف‌پذیری و چابکی بیشتر، در برابر فشارهای ناشی از رقابت حساس‌تر و شکننده‌تر بوده و نیازمند حمایت‌ها و برنامه‌های خاص و منحصربه‌فردی هستند که سیاست‌ها و نظام سیاستگذاری خاص خود را می‌طلبند. از این‌روست که موضوع حمایت از صنایع کوچک و متوسط به یکی از اساسی‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌های اغلب کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تبدیل شده است. این امر طبعاً نقش و اهمیت موضوع سیاستگذاری را برای توسعه صنایع کوچک و متوسط نشان می‌دهد. البته سیاستگذاری مفید و مؤثر در حوزه صنایع کوچک و متوسط خود نیازمند ایجاد و استقرار ساختار سیاستگذاری لازم و طی فرایند علمی و منطقی سیاستگذاری است تا بتواند منجر به طراحی و اجرای سیاست‌هایی شود که زمینه رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط

را فراهم نماید. در این مطالعه سعی بر آن است تا از طریق بررسی سیاست‌ها و ساختار سیاست‌گذاری موجود در کشور در حوزه توسعه صنایع کوچک و متوسط، کاستی‌ها و موانع موجود در حوزه ساختارها و سیاست‌های مرتبط با توسعه صنایع کوچک و متوسط بررسی شده و پیشنهادها اصلاحی جهت رفع مشکلات ارائه گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقسیم‌بندی بنگاه‌ها بر اساس اندازه آنها به بنگاه‌های خرد، کوچک، متوسط و بزرگ^۱ از آن جهت دارای اهمیت است که هر گروه از این بنگاه‌ها از نیازها، مسائل و چالش‌های خاص به خود برخوردارند و پاسخگویی به آنها، سیاست‌ها و نظام حمایتی و سیاست‌گذاری خاص خود را نیز می‌طلبد. این تقسیم‌بندی بر اساس معیارهایی چون تعداد کارکنان، میزان دارایی و میزان سرمایه بنگاه‌ها صورت می‌پذیرد. البته در کشورهای مختلف بسته به ساختار اقتصادی و صنعتی و همچنین میزان در دسترس بودن داده‌ها و آمارها تفاوت‌هایی در مرزبندی صنایع وجود دارد.

تفکیک صنایع کوچک و متوسط از صنایع بزرگ با هدف رفع شکست بازار^۲، که ناشی از اندازه کوچک آنها است، صورت پذیرفته است و مبنای اصلی تعریف صنایع کوچک و متوسط تلقی می‌شود. از آنجاکه در کشورهای مختلف، مرز شکست بازار، بسته به شرایط اقتصادی این کشورها متفاوت است، از این رو تعریف صنایع کوچک و متوسط و مقیاس آن نیز متفاوت خواهد بود (نیلی، ۱۳۸۲: ۶۰۱).

مرور تعاریف ارائه‌شده توسط سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی از قبیل سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) و کشورهای مختلف در این رابطه، حاکی از آن است که برای دسته‌بندی و تفکیک مرز بین صنایع کوچک و بزرگ از معیارهای متعددی همچون تعداد کارکنان، میزان دارایی و گردش مالی سالیانه بهره‌گرفته می‌شود. اما در این میان معیار تعداد کارکنان به عنوان فصل مشترک معیارهای مورداستفاده در اغلب کشورها بوده و بر این اساس، صنایع زیر ۱۰ نفر شاغل را صنایع خرد، صنایع بین ۱۰ تا ۴۹ نفر شاغل را صنایع کوچک، صنایع بین ۴۰ تا ۲۵۰ نفر شاغل را صنایع متوسط و صنایع دارای بیش از ۲۵۰ نفر شاغل را صنایع بزرگ محسوب می‌نمایند. در ایران نیز ملاک تقسیم‌بندی صنایع، تعداد کارکنان و مشابه تقسیم‌بندی فوق بوده با این تفاوت که صنایع دارای ۴۹ تا ۱۵۰ نفر شاغل را صنایع متوسط و صنایع دارای بیش از ۱۵۰ نفر شاغل را صنایع بزرگ محسوب می‌کنند.

1- Micro, Small, Mediom and Large Enterprise

2- Market Failure

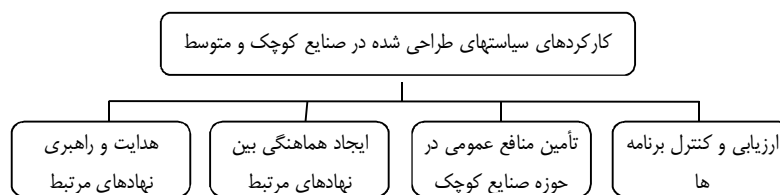
سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط

سیاست را می‌توان به عنوان یک برنامه عمومی تلقی کرد که به منزله راهنمای عمل، مد نظر مدیران قرار گرفته و نحوه اجرای برنامه را برای مسئولان اجرایی معین می‌کند؛ ضمن آنکه وسیله مؤثری برای کنترل عملیات به شمار می‌آید (رضائیان، ۱۳۷۹: ۲۱۰). سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط از یک طرف در زمره سیاست‌های عمومی محسوب می‌شود و از طرف دیگر بخشی از سیاستگذاری صنعتی به شمار می‌آید.

سیاست‌های صنعتی بیان‌کننده خط‌مشی تصمیم‌گیری‌های دولت در ایجاد، استقرار و استمرار فرایندهای توسعه از طریق ایجاد زیر ساختارها، بهبود عملکرد دولت و اقدامات حمایتی است که منجر به توسعه فضای کسب و کار صنعتی شده و همچنین به منزله راهبردهای تقویت و نهادینه‌سازی فراگردهای فرایند پویای توسعه صنعتی است (نیلی، ۱۳۸۳). با در نظر گرفتن تعاریف فوق، سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط را می‌توان به عنوان بخشی از سیاست‌های عمومی و به عنوان زیرمجموعه‌ای از سیاست‌های صنعتی کشور تلقی نمود که با هدف توسعه و ارتقا رقابت‌پذیری این دسته از صنایع طراحی و اجرا می‌گردند.

کارکرد سیاست‌ها

راهنمای عمل بودن، هماهنگ‌کنندگی، تأمین منافع عمومی، روشن ساختن روح قوانین و مقررات و ارزیابی و کنترل برنامه‌ها را می‌توان از مهم‌ترین نقش‌ها و کارکردهای سیاست‌های عمومی برشمرد (الوانی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۴).



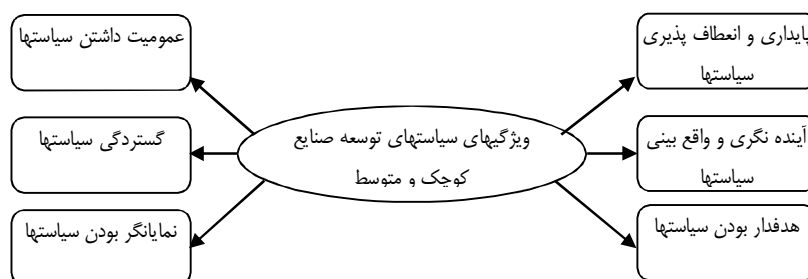
شکل ۱- کارکردهای سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط (با اقتباس از الوانی، ۱۳۸۰).

یکی از نقش‌ها و کارکردهای اساسی سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط، توانمندسازی آنها در هدایت و جهت‌دهی سازمان‌ها و نهادهای متولی در امر توسعه صنایع کوچک و متوسط است. همچنین سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط

لازم است از قدرت کافی در ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های متعدد متولی این صنایع برخوردار باشند. علاوه بر این، سیاست‌های مرتبط با توسعه صنایع کوچک و متوسط باید تضمین‌کننده و تأمین‌کننده منافع کل جامعه در حوزه صنایع کوچک و متوسط باشند. یکی دیگر از نقش‌های اساسی سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط این است که می‌تواند در ارزیابی و کنترل اقدامات و برنامه‌های اجرا شده از طرف سازمان‌ها و نهادهای متولی در حوزه توسعه صنایع کوچک و متوسط مورد استفاده قرار گیرد.

کیفیت (ویژگی‌ها)ی سیاست‌ها

سیاست‌های عمومی برای اینکه بتوانند کارکردهای و نقش‌های فوق‌الذکر را به‌خوبی ایفا نمایند، لازم است از کیفیت مناسب و قابل قبول برخوردار باشند. کیفیت سیاست‌ها از طریق مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصوصیات قابل بررسی است (الوانی، ۱۳۸۰). ویژگی‌هایی چون پایداری و انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، واقع‌بینی، هدف‌دار بودن، عمومیت داشتن، گستردگی و نمایانگر بودن را برای سیاست‌های عمومی ضروری می‌داند که قابل تعمیم به سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط نیز هستند.



شکل ۲- کیفیت و ویژگی‌های سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط (با اقتباس از الوانی، ۱۳۸۰).

با توجه به تغییرات در حال شتاب در عرصه صنعت و فعالیت‌های تجاری و به تبع آن تغییر محیط و فضای کسب‌وکار لازم است سیاست‌های مرتبط با توسعه صنایع کوچک و متوسط بتوانند از انعطاف لازم برای فراهم نمودن فضای مناسب کسب‌وکار برای این دسته از صنایع برخوردار باشند. لزوم توجه به آینده تحولات صنعتی و در نظر گرفتن امکانات و واقعیت‌های حاکم بر جامعه یکی از ویژگی‌های مهم سیاست‌های مناسب توسعه صنایع کوچک و متوسط به شمار می‌رود. سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط در صورتی که هدف و نیت مشخصی را دنبال نکرده و مبتنی بر شرایط روزمره طراحی و تدوین شده باشند از کارآمدی و اثربخش لازم در امر توسعه صنایع کوچک و متوسط برخوردار نخواهند بود.

همچنین سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط در صورتی که برای تأمین منافع یک گروه و یک عده خاص طراحی شده و از جامعیت و گستردگی لازم برخوردار نباشند، نمی‌توانند جامعه را به هدف توسعه صنایع کوچک و متوسط رهنمون شوند. با توجه به جامعیت و فراگیری موضوع توسعه صنایع کوچک و متوسط که بر حوزه‌ها و بخش‌های متعدد کسب‌وکار نظر دارد، لازم است سیاست‌ها به‌گونه‌ای طراحی شوند که از گستردگی و پوشش لازم به‌منظور رفع نیاز در تمامی حوزه‌های مرتبط برخوردار باشند.

ساختار سیاستگذاری صنعتی در حوزه صنایع کوچک و متوسط

سیاستگذاری صنعتی (که سیاستگذاری معطوف به صنایع کوچک و متوسط به عنوان بخشی از آن محسوب می‌شود) فرآیند پیوسته تدوین، تصویب و بازنگری سیاست‌های صنعتی با هدف توسعه و بهبود فضای کسب‌وکار صنعتی است (نیلی، ۱۳۸۱: ۴۹۵). به‌عبارت‌دیگر سیاستگذاری صنایع کوچک و متوسط را می‌توان به‌منزله نوعی سیاستگذاری عمومی دانست که به مسائل خاص مرتبط با صنایع کوچک و متوسط می‌پردازد. از واژه ساختار نیز تعابیر و برداشت‌های مختلفی وجود دارد. به عقیده محققانی چون هینگر^۱ و گرین وود^۲، "ساختار" یک وسیله و ابزار بسیار پیچیده کنترل است که در فرآیند روابط متقابل اعضا به وجود می‌آید و به‌صورت دائم تجدید می‌گردد. تعیین چگونگی روابط متقابل بین اعضا توسط این ساختار صورت می‌پذیرد (هال^۳، ۱۳۷۶: ۸۳). با در نظر گرفتن تعاریف ارائه‌شده در خصوص "ساختار" و "سیاستگذاری" و تلفیق آنها می‌توان ساختار سیاستگذاری را به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری اطلاق نمود که میان سازمان‌ها یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده‌اند، برقرار باشد. در واقع، قوانین و مقررات در هر جامعه‌ای در چارچوب این روابط، طراحی شده و ترتیب و تنظیم می‌یابد. هر ساختار سیاستگذاری از دو بعد اصلی تشکیل می‌گردد که عبارت‌اند از بعد عینی یا ملموس و بعد ذهنی یا شناختی. به‌طور بدیهی پویایی و تکامل ساختار سیاستگذاری درگرو پویایی و تکامل هر دو بعد عینی و ذهنی است.

1- Heyniger
2- Green wood
3- Hall

بعد عینی یا ملموس

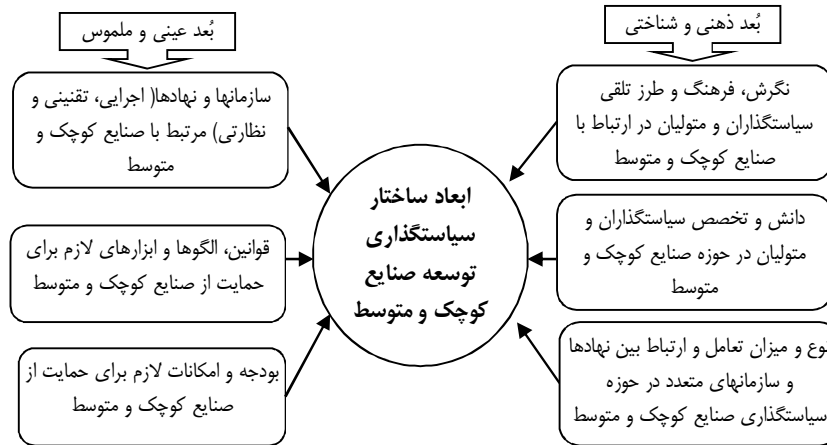
بعد عینی یا ملموس ساختارهای سیاست‌گذاری صنایع کوچک و متوسط مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این صنایع و اعضای انسانی این مجموعه‌ها است که در سیاست‌گذاری مرتبط با صنایع کوچک و متوسط نقش عمده‌ای را ایفا می‌نمایند و به عنوان مجموعه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز می‌توان از آنها یاد کرد. بعد عینی یا ملموس ساختار سیاست‌گذاری که از آن می‌توان به ساختار عینی نیز تعبیر نمود خود به دو دسته قابل تقسیم است. دسته‌ای از ساختارهای عینی رسمی هستند که قانون و شهروندان تعیین‌کننده و مشروعیت بخش به آنها هستند. دسته دیگر از ساختارهای عینی غیررسمی هستند که به دست رهبران و روسا انتخاب می‌شوند.

بعد ذهنی یا شناختی

بعد ذهنی به طرز پیوستگی یک مجموعه از نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های سیاست‌گذاران مرتبط با صنایع کوچک و متوسط نسبت به مسائل مختلف این صنایع اطلاق می‌شود که بر اساس این نگرش و جهان‌بینی امور مربوط به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در فرایند سیاست‌گذاری به سرانجام می‌رسد. در واقع سیاست‌ها بر اساس این مجموعه نگرش‌ها، خواسته‌ها و ذهنیت‌ها شکل گرفته و پایدار می‌شود. زیرا تصور خواسته‌های دیگران در ساختار ذهنی سیاست‌گذاران، شکل سیاست پیدا می‌کند. در واقع این بعد از ساختارها تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای در چگونگی شکل‌گیری ساختارهای عینی ایفا می‌نمایند. ساختارهای ذهنی نیز می‌تواند به دو دسته ساختارهای ذهنی ایدئولوژیکی و ساختارهای ذهنی رئالیست تقسیم شود.

با در کنار هم قرار دادن بعد عینی و ذهنی شکل‌دهنده ساختار سیاست‌گذاری، می‌توان به تصویری از ساختار سیاست‌گذاری توسعه صنایع کوچک و متوسط دست یافت. این تصویر به‌اجمال در شکل ۳ نشان داده شده است. ساختار مطلوب سیاست‌گذاری در حوزه توسعه صنایع کوچک و متوسط متأثر از هر دو بعد عینی و ذهنی بوده و نقص در هر یک از این ابعاد منجر به نقص و ناسازگاری در کل ساختار سیاست‌گذاری توسعه صنایع کوچک و متوسط می‌شود. به‌عبارت‌دیگر عدم تناسب و سازگاری بین این دو بعد هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده طراحی و اجرای مناسب سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط باشد. این امر یکی از مشکلات عمده سیاست‌های مربوط به توسعه صنایع کوچک و متوسط در اغلب کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته محسوب می‌شود. در این کشورها عمدتاً ساختارهای ملموس مورد نیاز برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط شکل گرفته‌اند اما به دلیل نهادینه نشدن فرهنگ

و دانش مرتبط با چگونگی توسعه صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌های کارآمدی در این زمینه طراحی و اجرا نمی‌گردند.



شکل ۳- بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاستگذاری توسعه صنایع کوچک و متوسط.

بین تمامی ابعاد عینی و ذهنی مرتبط با ساختار سیاستگذاری صنایع کوچک و متوسط ارتباط و تعامل وجود دارد. نگرش سیستمی در سیاستگذاری بیان‌کننده این امر است که سیاست‌های مطلوب و مناسب در حوزه صنایع کوچک و متوسط مستلزم وجود تمامی ابعاد سیاستگذاری است.

در خصوص پیشینه تجربی پژوهش باید اذعان نمود که باوجود مطالعات متعددی که در حوزه‌های مختلف صنایع کوچک و متوسط انجام‌یافته است، به موضوع آسیب‌شناسی ساختار سیاستگذاری صنعتی در حوزه صنایع کوچک و متوسط و تأثیر آن بر کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده پرداخته نشده است. از میان مطالعات نسبتاً مرتبط در این زمینه می‌توان به مطالعات سازمان توسعه صنعتی ملل متحد ¹UNIDO (۲۰۰۳)، هال هیل ² (۲۰۰۱)، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ³OECD (۲۰۰۴)، سازمان توسعه صنایع کوچک و متوسط پاکستان (۲۰۰۲)، دوتا و اب ⁴ (۲۰۱۴)، نولرس و ویتنج ⁵ (۲۰۱۰)، وستد و اُباسارن ⁶ (۲۰۰۷)، صلواتی سرچشمه، مداح و یزدانی راد (۱۳۸۶) و امین بیدختی و زرگر (۱۳۹۰) اشاره نمود که

1- United Nations Industrial Development Organization

2- Hal Hill

3- Organization for Economic Co-operation and Development

4- Dutta and Abe

5- Nauwelaers and Wintjes

6- Westhead and Ucbasaran

در اغلب این مطالعات به‌نوعی بر مسائل و مشکلات صنایع کوچک و متوسط و راهکارهای حمایتی از این صنایع تأکید شده است.

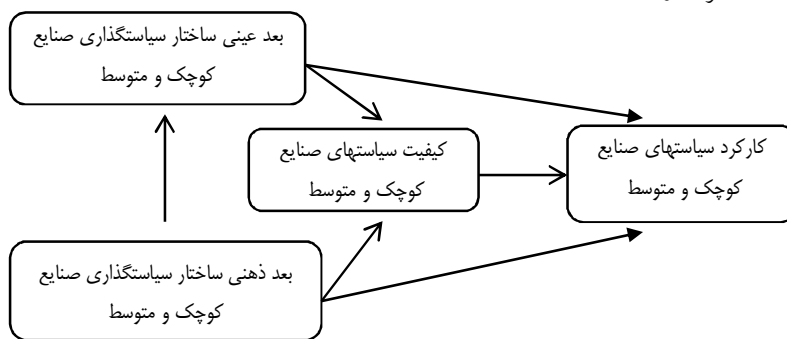
با عنایت به مبانی نظری تحقیق، جهت بررسی چگونگی تأثیر ساختار سیاست‌گذاری بر کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

- فرضیه اول: کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه دوم: کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه سوم: بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.
- فرضیه چهارم: بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.
- فرضیه پنجم: بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران دارد.
- فرضیه ششم: بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران دارد.
- فرضیه هفتم: بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران دارد.
- فرضیه هشتم: بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران دارد.
- فرضیه نهم: بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران دارد.
- فرضیه دهم: کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارکرد این سیاست‌ها در ایران دارد.

مدل مفهومی پژوهش

در شکل ۴ الگوی مفهومی پژوهش جهت بررسی میزان تأثیر ساختار سیاست‌گذاری بر کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران، نشان داده شده است. این الگو با در نظر گرفتن آنچه در پیشینه تحقیق در خصوص ساختار سیاست‌گذاری صنایع

کوچک و متوسط و ویژگی‌ها و کارکردهای سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط مطرح شد، طراحی گشته است. بر اساس این الگو بُعد عینی ساختار سیاستگذاری به‌طور مستقیم بر کیفیت و کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط اثر می‌گذارد. همچنین بُعد عینی و ذهنی از طریق متأثر نمودن کیفیت سیاست‌ها به‌طور غیرمستقیم نیز بر کارکرد این سیاست‌ها اثر گذارند.



شکل ۴- مدل مفهومی پژوهش.

برای سنجش بعد عینی ساختار سیاستگذاری از سه مؤلفه استفاده شده است که عبارت‌اند از میزان تناسب کمی و کیفی سازمان‌ها، وجود قوانین، الگوها و ابزارهای حمایتی و وجود بودجه و امکانات. برای سنجش وضعیت این سه مؤلفه از ۱۱ گویه استفاده شده است. همچنین برای سنجش بعد ذهنی ساختار سیاستگذاری نیز از سه مؤلفه استفاده شده است که عبارت‌اند از نگرش و طرز تلقی سیاستگذاران نسبت به صنایع کوچک، دانش و تخصص سیاستگذاران در خصوص صنایع کوچک و تعامل بین نهادها و سازمان‌های متولی صنایع کوچک. برای سنجش وضعیت این سه مؤلفه از ۱۰ گویه استفاده شده است. برای اندازه‌گیری کارکرد سیاست‌ها از چهار مؤلفه استفاده شده است که عبارت‌اند از هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی، ایجاد هماهنگی لازم بین نهادها، ارزیابی و کنترل برنامه‌ها و روشن ساختن روح قوانین و مقررات. برای سنجش کیفیت سیاست‌ها نیز از شش مؤلفه میزان پایداری و انعطاف‌پذیری سیاست‌ها، میزان آینده‌نگری و واقع‌بینی سیاست‌ها، میزان هدف‌دار بودن سیاست‌ها، میزان عمومیت داشتن سیاست‌ها، میزان گستردگی سیاست‌ها و میزان نمایانگر بودن سیاست‌ها بهره گرفته شده است. میزان تمامی مؤلفه‌های مذکور از طریق نظرسنجی از خبرگان و کارشناسان در طیف بسیار کم تا بسیار زیاد مشخص شده است.

۳- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است و از نظر روش تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی و پیمایشی قرار داد. این تحقیق در بازه زمانی ابتدای ۱۳۹۳ تا نیمه اول سال ۱۳۹۴ انجام یافته و جامعه آماری این تحقیق را کلیه کارشناسان و صاحب‌نظران (اعم از دانشگاهی و اجرایی) مرتبط با این حوزه تشکیل می‌دهند. متأسفانه تعداد افرادی که از آگاهی و تخصص لازم در خصوص صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌ها و ساختارهای سیاست‌گذاری مرتبط با آن برخوردار باشند، با محدودیت مواجه است و همین امر منجر به محدود شدن حجم نمونه در این تحقیق شده است. با توجه به محدود بودن تعداد پاسخگویان، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه در دسترس استفاده شده است. در این راستا تعداد ۱۲۰ کارشناس و صاحب‌نظر شناسایی شد و با توزیع پرسشنامه و پیگیری‌های مکرر تعداد ۸۱ پرسشنامه تکمیل و عودت گردید که از میان آنها ۷۸ پرسشنامه مورد قبول واقع شد.

پرسشنامه طراحی شده برای جمع‌آوری داده‌ها مشتمل بر ۳ بخش است. در بخش اول علاوه بر سؤالات جمعیت‌شناختی، سؤالاتی در خصوص میزان آشنایی پاسخگویان با مقوله صنایع کوچک و متوسط و سیاست‌گذاری در این حوزه طرح شده است. در بخش دوم که با هدف بررسی وضعیت ساختار سیاست‌گذاری در نظر گرفته شده است، ۱۱ سؤال به بعد عینی ساختار سیاست‌گذاری و ۹ سؤال به بعد ذهنی اختصاص یافته است. در بخش سوم ۷ سؤال به کارکرد سیاست‌ها و ۷ سؤال نیز به ویژگی سیاست‌ها اختصاص دارد. سؤالات مطرح شده از نوع سؤالات بسته بوده و طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) برای پاسخ به آنها در نظر گرفته شده است. با توجه به نبود پرسشنامه استاندارد مشابه در این حوزه، این پرسشنامه محقق ساخت بوده و با توجه به مدل مفهومی ارائه شده و با استناد به ادبیات نظری و تجربی طراحی گشته است. به منظور تقویت روایی پرسشنامه از نظر صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه و گنجاندن نظرات اصلاحی آنان استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برای سازه‌های "بعد عینی ساختار سیاست‌گذاری"، "بعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری"، "کارکرد سیاست‌ها" و "کیفیت سیاست‌ها" به ترتیب معادل ۰/۷۳، ۰/۷۹، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ به دست آمده است، لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شده است.

برای آزمون نرمال بودن متغیرها از آزمون نرمالیتی استفاده شده است و نتایج حاکی از آن است که اغلب متغیرها از توزیع غیر نرمال برخوردار هستند. برای آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مربوط به ویژگی‌ها و کارکردهای سیاست‌های صنایع

کوچک و متوسط و همچنین بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاستگذاری استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پنجم تا دهم (مدل مفهومی) تحقیق از روش تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (PLS)^۱ بهره گرفته شده است. این روش به این دلیل مورد استفاده قرار گرفته است که هم توزیع متغیرهای تحقیق غیر نرمال است و هم حجم نمونه نسبتاً پایین است. به عبارت دیگر، آن گونه که آذر و همکاران (۱۳۹۱) بیان می‌کنند، این روش به پیش‌فرض‌هایی همچون توزیع نرمال متغیرها و حجم بالای نمونه‌ها متکی نیست. همچنین هنسلر، رینگل و سینکوویکس (۲۰۰۹) نیز این روش را برای مقاصد پیش‌بینی و اکتشاف روابط محتمل مفید می‌دانند. یعنی، برخلاف روش‌های مبتنی بر کوواریانس که سعی در سازگاری داده‌ها با الگوی نظری پژوهش دارند، این روش به دنبال کشف نظریه‌ای است که در داده‌ها نهفته است. در نتیجه، با توجه به نبود تئوری مشخص و پیچیده بودن مسائل از این روش استفاده شده است. پردازش داده‌های تحقیق به کمک نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS انجام شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی یافته‌ها

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ۶/۴ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی زیر ۳۰ سال، ۴۷/۴ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۰/۸ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۲/۸ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و در نهایت ۲/۶ درصد از پاسخگویان نیز بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند. همچنین ۸۳/۳ درصد از پاسخگویان به جنسیت مرد و ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان نیز به جنسیت زن اختصاص دارد. ۳۰/۸ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۵۷/۷ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند. ۲۹/۵ درصد از پاسخگویان دارای سابقه فعالیت زیر ۵ سال، ۴۱ درصد از پاسخگویان دارای سابقه فعالیت ۵ تا ۱۰ سال، ۲۱/۸ درصد از پاسخگویان دارای سابقه فعالیت ۱۰ تا ۲۰ سال، ۷/۷ درصد از پاسخگویان دارای سابقه فعالیت ۲۰ تا ۳۰ سال هستند. ۲۶.۹، ۳۴.۶، ۳۵.۹ و ۲.۵ درصد از پاسخگویان به ترتیب از آشنایی بسیار زیاد، زیاد، متوسط و کم با سازمان‌های و نهادهای پشتیبان صنایع کوچک و متوسط برخوردارند. همچنین ۱۶.۶، ۳۰.۷، ۵۰ و ۲.۵ درصد از پاسخگویان به ترتیب از آشنایی بسیار زیاد، زیاد، متوسط و کم با قوانین،

مقررات و سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط برخوردار هستند. بنابراین بخش قابل توجهی از پاسخگویان از میزان آشنایی کافی با مقوله صنایع کوچک و متوسط، قوانین و مقررات و ساختارهای سیاست‌گذاری برخوردارند. این امر در تقویت اعتبار یافته‌های تحقیق مؤثر است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

همچنان که در قسمت روش تحقیق ذکر شد، برای آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن و برای آزمون فرضیه‌های پنجم تا دهم از روش تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (PLS) استفاده شده است و نتایج به شرح زیر ارائه شده است.

فرضیه اول: نتایج آزمون این فرضیه که ادعا می‌کند کارکردهای سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون فرضیه اول

آزمون فریدمن		آزمون t تک نمونه‌ای			کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	$M.R$	$Sig.$	t	$M.D$	
۱	۲/۳۳	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۱۰	-۰/۸۲۳	هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی
۲	۲/۳۵	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۴۷	-۰/۸۱۸	ایجاد هماهنگی لازم بین نهادها
۳	۲/۴۰	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۸۰	-۰/۷۵۳	ارزیابی و کنترل برنامه‌ها
۴	۲/۹۲	۰/۰۰۰۰	-۵/۴۴۹	-۰/۴۸۰	روشن ساختن روح قوانین و مقررات
آماره χ^2 دو: ۱۲/۲۱۲ سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۷		۰/۰۰۰۰	-۱۲/۰۷	۰/۷۱۹	میانگین کارکردها

آماره آزمون t مربوط به میانگین کارکرد سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک‌تک کارکردها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین ($M.D: Mean Defferenc$) این کارکردها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که

به‌طور کلی سیاست‌های موجود در حوزه صنایع کوچک و متوسط از منظر کارکردهای موردنظر از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. با توجه به معنی‌دار بودن آماره X^2 دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌ها ($M.R$: Mean Rank)ی مربوط به تک‌تک کارکردهای سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار بوده و این کارکردها از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که بدترین وضعیت مربوط به کارکرد هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی است. ضعف در ایجاد هماهنگی، ارزیابی و کنترل نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

فرضیه دوم: نتایج آزمون این فرضیه که ادعا می‌کند ویژگی‌ها یا تناسب سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه دوم

آزمون فریدمن		آزمون t تک نمونه‌ای			ویژگی‌های سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	$M.R$	$Sig.$	t	$M.D$	
۱	۳/۱۸	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۰۳	-۰/۸۷۱	پایداری و انعطاف‌پذیری سیاست‌ها
۳	۳/۴۰	۰/۰۰۰۰	-۱۵/۳۲	-۰/۸۵۲	آینده‌نگری و واقع‌بینی سیاست‌ها
۶	۳/۹۰	۰/۰۰۰۰	-۷/۳۱۸	-۰/۶۰۰	هدف‌دار بودن سیاست‌ها
۵	۳/۶۷	۰/۰۰۰۰	-۶/۵۲۶	-۰/۶۲۱	عمومیت داشتن سیاست‌ها
۲	۳/۲۸	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۸۲	-۰/۸۲۸	گسترده‌گی سیاست‌ها
۴	۳/۵۸	۰/۰۰۰۰	-۱۶/۲۶	-۰/۸۱۴	نمایانگر بودن سیاست‌ها
آماره X^2 دو: ۸/۳۴۹ سطح معنی‌داری: ۰/۱۳		۰/۰۰۰۰	-۱۶/۷۸	-۰/۷۶۴	میانگین ویژگی‌ها

آماره آزمون t مربوط به میانگین ویژگی‌های سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک‌تک ویژگی‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین این ویژگی‌ها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به‌طور کلی سیاست‌های موجود در حوزه صنایع کوچک و متوسط از منظر ویژگی‌های موردنظر از تناسب

و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار نبودن آماره χ^2 دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌های مربوط به تناسب ویژگی‌های سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار نبوده و این تفاوت بین این ویژگی‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست.

فرضیه سوم: نتایج آزمون این فرضیه که ادعا می‌کند بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه سوم

آزمون فریدمن		آزمون تک نمونه‌ای			مؤلفه‌های بعد عینی ساختار سیاست‌گذاری
اولویت	M.R	Sig.	t	M.D	
۳	۲/۷۵	۰/۰۰۰۰	۳/۹۱۴	۰/۴۱۱	تناسب کمی و کیفی سازمان‌ها
۱	۱/۵۹	۰/۰۰۰۰	-۱۷/۳۲	-۰/۸۶۶	قوانین، الگوها و ابزارهای حمایتی
۲	۱/۶۶	۰/۰۰۰۰	-۱۶/۰۲	-۰/۸۵۵	بودجه و امکانات
آماره χ^2 دو: ۶۹/۳۴۰ سطح معنی‌داری: ۰/۰۰		۰/۰۰۰۰	-۲/۷۴۹	-۰/۱۹۳	میانگین مؤلفه‌ها

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آماره آزمون t مربوط به میانگین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران و همچنین آماره آزمون χ^2 مربوط به تک‌تک مؤلفه‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین این بُعد از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به‌طور کلی بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود. اما انحراف میانگین مؤلفه تناسب سازمان‌ها و نهادها مثبت است و نشان می‌دهد که مشکل خاصی از نظر تعداد سازمان‌های متولی وجود ندارد بلکه بیشتر قوانین و امکانات و بودجه مرتبط با این حوزه از کاستی‌های جدی برخوردار است. همچنین با توجه به معنی‌دار بودن آماره χ^2 دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌های مربوط به بُعد عینی معنی‌دار است و ضعیف‌ترین وضعیت به مؤلفه قوانین و ابزارهای حمایتی و بعداز آن به مؤلفه بودجه و امکانات مربوط می‌شود.

فرضیه چهارم: نتایج آزمون این فرضیه که ادعا می‌کند بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۴ نشان داده شده است.

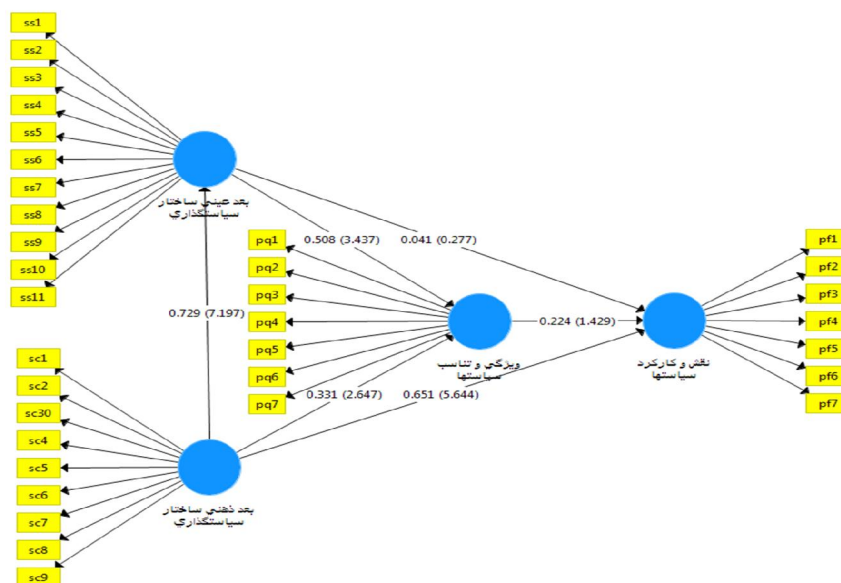
جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه چهارم

آزمون فریدمن		آزمون تک نمونه‌ای			مؤلفه‌های بعد ذهنی ساختار سیاستگذاری
اولویت	M.R	Sig.	t	M.D	
۳	۲/۱۲	۰/۰۰۰۰	-۷/۷۹۲	-۰/۶۷	نگرش و طرز تلقی سیاستگذاران
۲	۲/۰۲	۰/۰۰۰۰	-۷/۵۱۳	-۰/۶۸	دانش و تخصص سیاستگذاران
۱	۱/۸۷	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۳۶	-۰/۹۳	تعامل بین نهادها و سازمان‌های متولی
آماره خی دو: ۲/۶۷۸ سطح معنی‌داری: ۰/۲۶		۰/۰۰۰۰	-۱۲/۹۸	-۰/۷۲	میانگین مؤلفه‌ها

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آماره آزمون t مربوط به میانگین بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک تک مؤلفه‌های تشکیل دهنده بُعد ذهنی از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین این بُعد از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به‌طور کلی بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه چهارم تأیید می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار نبودن آماره خی دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌های مربوط به بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری معنی‌دار نبوده و این تفاوت بین این بُعد از نظر آماری معنی‌دار نیست.

حال که با بررسی فرضیات اول و دوم تحقیق مشخص شد ویژگی‌ها و کارکردهای سیاست‌های طراحی شده برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط از وضعیت رضایت بخشی برخوردار نیست و از طرف دیگر بررسی فرضیات سوم و چهارم روشن ساخت که بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاستگذاری نیز با وضعیت مطلوب فاصله دارد، در این بخش با آزمون فرضیات پنجم تا دهم درصدد بررسی این امر هستیم که نامناسب بودن کارکرد و ویژگی‌های مرتبط با سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تا چه اندازه متأثر از بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاستگذاری مرتبط با این بخش است. بدین منظور در قالب مدل معرفی شده در شکل ۴ و با استفاده از الگوریتم حداقل مربعات جزئی و همچنین بوتسترپینگ با زیر نمونه

۵۰۰، ضرایب تأثیر سازه‌ها و متغیرهای مستقل بر سازه‌ها و متغیرهای وابسته مدل برآورد گشته و نتایج آن در قالب شکل ۵ ارائه شده است.



شکل ۵- ضرایب برآورد شده مدل و آماره‌های t مربوطه.

لازم به ذکر است که اعداد خارج از پرانتز بر روی هر مسیر نشان‌دهنده ضریب مسیر و اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t متناسب با ضرایب است.

فرضیه پنجم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه مرتبط با بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری به سمت سازه ویژگی سیاست‌ها ۰/۵ و آماره t آن ۳/۴۳۷ برآورد شده است، بین بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری و میزان مناسب بودن سیاست‌ها از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از این‌رو بهبود بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری می‌تواند در بهبود سیاست‌ها نقش‌آفرین باشد. لذا فرضیه پنجم تأیید می‌شود.

فرضیه ششم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه مرتبط با بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری به سمت سازه ویژگی سیاست‌ها ۰/۳۳ و آماره t آن ۲/۶۴۷ برآورد شده است، استنباط می‌شود که بین بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری و میزان مناسب بودن سیاست‌ها از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از این‌رو بهبود بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری می‌تواند در بهبود سیاست‌ها نقش‌آفرین باشد. لذا فرضیه ششم تأیید می‌شود.

فرضیه هفتم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه مرتبط با بُعد عینی ساختار سیاستگذاری به سمت سازه کارکرد سیاست‌ها ۰/۰۴۱ و آماره t آن ۰/۲۷۷ برآورد شده است، استنباط می‌شود که بین بُعد عینی ساختار سیاستگذاری و کارکرد سیاست‌ها هرچند رابطه مثبتی وجود دارد ولی این رابطه از نظر آماری معنی‌دار نیست. لذا فرضیه هفتم تأیید نمی‌شود.

فرضیه هشتم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه مرتبط با بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری به سمت سازه کارکرد سیاست‌ها ۰/۶۵ و آماره t آن ۰/۶۴ برآورد شده است، بین بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری و کارکرد سیاست‌ها از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از این رو بهبود بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری می‌تواند در بهبود کارکرد سیاست‌ها نقش آفرین باشد. لذا فرضیه هشتم تأیید می‌شود.

فرضیه نهم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه مرتبط با بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری به سمت سازه بُعد عینی ساختار سیاستگذاری ۰/۷۹ و آماره t آن ۷/۱۹ برآورد شده است، بین بُعد ذهنی و عینی ساختار سیاستگذاری از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از این رو بهبود بُعد ذهنی ساختار سیاستگذاری می‌تواند در بهبود بُعد عینی ساختار سیاستگذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران نقش آفرین باشد. لذا فرضیه نهم تأیید می‌شود.

فرضیه دهم: با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه مرتبط با ویژگی‌های سیاست‌ها به سمت سازه کارکرد سیاست‌ها ۰/۲۲۴ و آماره t آن ۱/۴۲ برآورد شده است، استنباط می‌شود که بین ویژگی و کارکرد سیاست‌ها هرچند رابطه مثبتی وجود دارد ولی این رابطه از نظر آماری معنی‌دار نیست. لذا فرضیه دهم تأیید می‌شود.

۵- توصیه‌های سیاستی

بررسی‌های به عمل آمده در این مطالعه حاکی از آن است که سیاست‌های طراحی شده برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشور، از منظر ویژگی‌ها و معیارهایی چون پایداری و انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، واقع‌بینی، هدف‌دار بودن، عمومیت داشتن، گستردگی و نمایانگر بودن در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. این امر باعث شده است که کارکردها و نقش‌های اصلی مورد انتظار از این سیاست‌ها (راهنمای عمل بودن، هماهنگ‌کنندگی، تأمین منافع عمومی، روشن ساختن روح قوانین و مقررات و ارزیابی و کنترل برنامه‌ها) به نحو مناسبی محقق نگردد. نتایج نشان می‌دهد که بدترین وضعیت مربوط به کارکرد هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی است. ضعف در ایجاد هماهنگی، ارزیابی و کنترل نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

علاوه بر این، بُعد عینی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران نیز از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. توضیح اینکه در ارتباط با تناسب سازمان‌ها و نهادهای متولی صنایع کوچک و متوسط، مشکل خاصی از نظر تعداد سازمان‌های متولی وجود ندارد بلکه بیشتر قوانین و امکانات و بودجه مرتبط با این حوزه از کاستی‌های جدی برخوردار است. از اینرو ضعیف‌ترین وضعیت به مؤلفه قوانین و ابزارهای حمایتی و بعدازآن به مؤلفه بودجه و امکانات مربوط می‌شود. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که علاوه بر ضعف در ابعاد عینی ساختار سیاست‌گذاری، بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط ایران نیز از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند.

این تحقیق با این فرض که نامناسب بودن ساختار سیاست‌گذاری یکی از عوامل پایین بودن کیفیت و کارآمدی سیاست‌های طراحی‌شده در این بخش است، انجام یافته و نتایج آن نشان داده است که نامناسب بودن بُعد عینی و ذهنی ساختار سیاست‌گذاری به‌طور معنی‌داری در نامناسب بودن کیفیت و کارآمدی سیاست‌های مرتبط با صنایع کوچک و متوسط نقش داشته است. از این‌رو برای بهبود سیاست‌ها پیشنهادهایی به شرح زیر قابل‌ارائه است.

- با عنایت به نامناسب بودن کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده، پیشنهاد می‌شود در طراحی سیاست‌ها الزامات، شرایط و اقتضائات خاص صنایع کوچک در نظر گرفته شود و مطالعات لازم در ارتباط با نیازمندی‌های واقعی صنایع کوچک و متوسط به عمل آید و بر اساس آنها سیاست‌ها طراحی شود.
- با عنایت به اینکه یکی از عوامل نامناسب بودن بُعد ذهنی ساختار سیاست‌گذاری صنایع کوچک در ایران، ناهماهنگی و عدم تعامل بین سازمان‌های متولی است، پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی از نگاه جزیره‌ای اجتناب نموده و در چارچوب همکاری و هماهنگی با یکدیگر نسبت به طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه‌ای خود بپردازند.
- الگوها و ابزارهای مورد استفاده توسط سازمان‌ها و نهادهای متولی صنایع کوچک و متوسط از تنوع و کفایت لازم برای اجرایی شدن سیاست‌ها (به منظور پاسخگویی به نیازهای صنایع کوچک و متوسط) برخوردار بوده و لازم است این الگوها و ابزارها متناسب با نیازهای در حال تغییر این صنایع و با اتکا به تجارب کشورهای موفق اصلاح و به‌روز شوند.
- بودجه و امکانات سازمان‌ها و نهادهای متولی صنایع کوچک و متوسط به‌گونه‌ای تقویت گردد که شرایط اجرایی شدن سیاست‌های طراحی‌شده در این حوزه فراهم آید.

- با توجه به نامناسب بودن نگرش سیاستگذاران نسبت به صنایع کوچک و متوسط، لازم است فرهنگ‌سازی مناسب در این حوزه به عمل آید و ذهنیت و نگرش سیاستگذاران و مسئولان نسبت به اهمیت و جایگاه صنایع کوچک و متوسط مثبت‌تر شود.
- نظر به ناکافی بودن و به‌روز نبودن دانش و تخصص کارشناسان و متولیان صنایع کوچک و متوسط، تقویت آگاهی و آشنا نمودن آنها با دانش و مدل‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود تناسب و کارکرد سیاست‌ها گردد.
- اساسی‌ترین معضل در زمینه حمایت از صنایع کوچک و متوسط، عدم همسویی و ناکافی بودن تعامل و همکاری بین سازمان‌ها و نهادهای متولی است. لذا تقویت تعامل و رفع تضاد بین سازمان‌ها و نهادهای متولی می‌تواند یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های موفقیت سیاست‌های حمایتی دولت را فراهم نماید.

منابع

الف) فارسی

- ۱- آذر، عادل؛ رسول غلامزاده و مهدی قنوتی (۱۳۹۱). مدلسازی مسیری-ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم‌افزار Smart-PLS تهران: نگاه دانش.
- ۲- آقا بخشی، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک ایران.
- ۳- رضائیان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- سازمان صنایع کوچک ایران (۱۳۸۰). سیاست‌های موفق توسعه صنایع کوچک در ۲۰ کشور صنعتی و درحال توسعه (سیاست‌های همگرا). تهران: انتشارات کارآفرینان بصیر،
- ۵- شوماخر ای اف. (۱۳۷۲). کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی، مترجم علی رامین تهران: انتشارات سروش
- ۶- صلواتی سرچشمه، بهرام؛ معصومه مداح و احسان یزدانی راد (۱۳۸۶). چارچوب سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای حمایت از ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، ۳(۱۲): ۳۹-۴۹.
- ۷- قلی پور، رحمت اله و ابراهیم غلام پور آهنگر، (۱۳۸۹). فرآیند سیاستگذاری عمومی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۸- نیلی، مسعود (۱۳۸۲). خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- ۹- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۴). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.

ب) انگلیسی

- 10- Claire, N., René, W. (2010). innovating SMEs and regions: the need for policy intelligence and interactive policies" *journal of Technology Analysis & Strategic Management*, Vol. 14, pp. 201-215
- 11- Dutta, K., Abe, M. (2014), A New Policy Framework for Myanmar's SME Development, *Journal of Asia-Pacific Research and Training Network on Trade*", No.142.
- 12- Gibson, T. and Vaart, H. J. van der. (2008), " Defining SMEs: A Less Imperfect Way of Defining Small and Medium Enterprises in Developing Countries", *Brookings Global Economy and Development*.
- 13- Hall, Richard H. *Organizations: Structures, Processes and Outcomes*. published by routledge.

- 14- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. (2009). *The use of partial least squares path modeling in international marketing*. *Advances in International Marketing*, 20, 277-320.
- 15- Hill, H. (2001). *Small And Medium Enterprises in Indonesia: Old Policy Challenges for a New Administration*, *Journal of Asian Survey*, Vol. 41, No2, pp.248-270.
- 16- Howlett, M., Ramesh, M., and Perl, A., (1995). *Studying Public Policy*. Oxford University Press.
- 17- Mike, W., Paul, W. & Deniz, U. (2007), *Internationalization of Small and Medium Sized Enterprises (SMEs) and International Entrepreneurship: A Critique and Policy Implications*, *Regional Studies*, Vol. 41.7, pp. 1013–1029.
- 18- OECD (2004). *Small and Medium Sized Enterprise in Turkey Issues and Policies*"
- 19- OECD(2004), *Effective Policies for Small Business- aguide for the Policy review process And strategic plans for micro, small and medium enterprise development*. www.cepor.hr.
- 20- *Policy Guidebook for SME Development in Asia and the Pacific*, 2012, United Nations publication
- 21- Rogene A. Buchholz and Sandra B. Rosenthan. (2004) *Stakeholder theory and Public Policy: How Government Matters*, *Jornal of Business Ethics*, 51, 143-153.
- 22- *Small and Medium Enterprise Development Authority of Pakistan (2002), "Creating a Conducive Policy Environment for Micro, Small and Medium-Sized Enterprises in Pakistan"*, *Series on Conducive Policy Environment for Small Enterprise Employment*
- 23- *Small and Medium Enterprises Development Organization (KOSGEB)(2012), "Enhancing the Competitiveness OF SMEs in Turkey"* Country Report, to be submitted to the 28th Session of the COMCEC.
- 24- *United Nations Industrial Development Organization, (2003), Strategy Document to Enhance the Contribution of an Efficient and Competitive Small and Medium-Sized Enterprise Sector to Industrial and Economic Development in the Islamic Republic of Iran.*